مترجم: جعفر صباغی خسروی

صد سال با کمیك استریپ

امروزه، بریتانیا ارتباط و وابستگی خاصی به آمریکا پیدا کرده است. همانطور که قبلاً دیدیم، کمیکهای آمریکایی تا پیش از ۱۹۵۹ میلادی قویاً حضور نیافتند و دو مرکز تجاری تا این زمان بسیار دور از یکدیگر بودند، درواقع خاستگاه صنعت کمیك آمریکائی کاملا متفاوت از نوع بریتانیاییاش یعنی همان استریپهای روزنامه‌ای بود. به این دلیل استریپها برای جذب مخاطبانی با سنین متفاوت تولید می‌شوند.

پیرو جریان اصلی در امریکا تا اوایل قرن نوزدهم گروهی از مجلات کارتونی طنز به منصه‌ظهور رسیدند. از مهمترین آنها می‌توان به «پك» (puck 1877)«جاج» (judge 1881) و لایف (life 1883) اشاره کرد. آنها معمولا موضوعات و زمینه‌های داستانی خود را از مجلات فکاهی اروپایی می‌گرفتند. محتویات این مجلات با بحران موضوعی شدیدی روبرو بود که دلیل آن منابع متفاوت با فرهنگهای مختلف بود.

در این اوان، یعنی اواخر سال ۱۸۸۰ میلادی، ناشرین روزنامه‌ها شروع به درج استریپها و کارتونها کردند تا مخاطبان بیشتری را جذب کنند. دراین زمان، ستیزی خشم‌آلود میان دو مرد افسانه‌ای صنعت نشر نیویورك یعنی ویلیام راندولف هرست (william Randolph Hearst) و جوزف پولیتزر(joseph Pulitzer) درگرفت. این هر دو مشتاق بهره‌برداری از جمعیت مهاجرین در شهرهای بزرگ بودند، مهاجرینی که زبان رسمیشان انگلیسی نبود و کارتون و استریپ را به عنوان یك تازه وارد می‌پذیرفتند.

در سال ۱۹۸۶، «نیویورك ژورنال» (New York Journal) متعلق به هرست استریپ «کودك زردپوش» (YellowKid) را به چاپ رساند. یك کارتون استریپ ساخته ریچارد اوت‌کالت (Richard outcault) همانی که پیش از این برای «لایف» و «جاج» کار می‌کرد. این استریپ افزون بر اینکه به عنوان اولین استریپ روزنامه‌ای شناخته می‌شود، با بهره‌گیری از رنگ زرد تحولی دور از انتظار را در تکنیك چاپ ایجاد کرد (در این تکنیك نوین با اضافه شدن رنگ زرد به رنگهای قرمز و آبی تمامی رنگهای موجود در طبیعت در دسترس قرار می‌گرفت).

در زمانی که رضایت عامه یك اصل تلقی می‌شد، کودك زردپوش ماجراهای یك بچه شیطان ساکن درکوچه پس‌کوچه‌های پست و کثیف شهر را به تصویر می‌کشید، کودکی که تنها یك روپوش زرد جامه او را تشکیل می‌دهد. این استریپ با طنزی تلخ توصیف‌کننده فقر حاکم بر کوچه‌های شهر بود. هرچند این کودك فاقد شخصیتی دلسوز همدرد نسبت به همتای خود است (بیان چنین ناهنجاریهای اخلاقی در زمان خود یك ریسك تلقی می‌شد)، بنا مساعی هرست به یك ثروتمند کاملا موفق مبدل شد. بدین منظور ابداع اوت کالت نیاز به اجرایی مؤثر داشت. برای نیل به این هدف تسلسل اشکال به‌طور قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفت.

هرست و پولیتزر برای خلق استریپهای جدید به رقابتی سخت دست زدند (رقابت برای تملك «کودك زردپوش» به ژورنالیسم زرد منتهی گردید) و فضای بیشتر برای دستیابی به موضوعات تصویری ایجاد گردید. بدین ترتیب دوران بزرگ استریپ آغاز شد.

نمونه‌های دیگر ی ساخته‌شدند که‌ازروش‌مشابه‌در «کودك زردپوش» بهره می‌بردند، اما بندرت به عنوان طنز پذیرفته شدند. نمونه‌هایی مانند: ۱۹۰۲ (Buster Brow) که داستانی است پیرامون یك سارق زنگوله به سر و (Little Nemo in Slum-berland) ساخته وینزورمك کی که یك فانتزی زیبا از رویاهای یك پسرجوان را تقدیم خواننده‌اش می‌کند. (استریپی که امروزه از آن به عنوان یك شاهکار یاد می‌شود) و (۱۸۹۷) (Katzen Jammr Kids) ساخته رودلف درکس (Rudolph Dirks)، که بیان‌کننده تجربیات گوناگون و آشفته یك جفت دوقلو آمریکایی آلمانی است. (۱۹۰۶) (Kinder- Kids) ساخته لیونل فینینگر که روایتی است مانند Katzen jammer kids و (۱۹۱۲) polly and her pals ساخته کلیف استرت cliff sterrett که حکایت یك زن جوان و روابط خانوادگی اوست (۱۹۰۸) (Mutt and jeff) ساخته باد فیشر (Bud Fisher) که درباره سبقت‌گیری دو دوست درحقه بازی و کلك‌زنی است یکی قدبلند و یکی کوتوله.

آرام‌آرام یکشنبه به‌روز اصلی استریپها و ارائه‌گر کمیکهای مردمی معروف شد. تا ۱۹۰۰، استریپها عمدتاً رنگی به‌چاپ می‌رسیدند و به‌خاطر مندرجات فکاهی و خنده‌آور خود به سرگرمیهای یکشنبه "Sunday Funnies" معروف بودند. اما در آمریکا کمیك به‌عنوان بخش مکمل یك روزنامه استفاده می‌شد (اختلافی عمده نسبت به بریتانیا).

بعدها دنیا در حصاری ازگرافیك داستانی از استریپهای روزنامه‌ای گرفته تا کتابهای کمیك اسیر شد.

از صفات بارز سرگرمیهای یکشنبه این بود آنها منحصراً برای نوجوانان جهت نمی‌یافتند و اکثراً خوانندگان با سنین متفاوت را شامل می‌شدند. تعداد کمی از استریپها برای بالغین و بزرگسالان ساخته می‌شدند و این موضوع دلیل آن است که باید کمی مسیر بحث را تغییر دهیم. دو نمونه اولیه این گروه عبارت‌اند از: Dreams of the Rarbitflend: ساخته وینزورمك کی و (Krazy Kat) ساخته جورج هریمن. امروزه آفرینندگان این آثار به‌عنوان غولهای چنین زمینه فکری شناخته می‌شوند واستریپها نیز به فاصله هشت سال از یکدیگر کار را

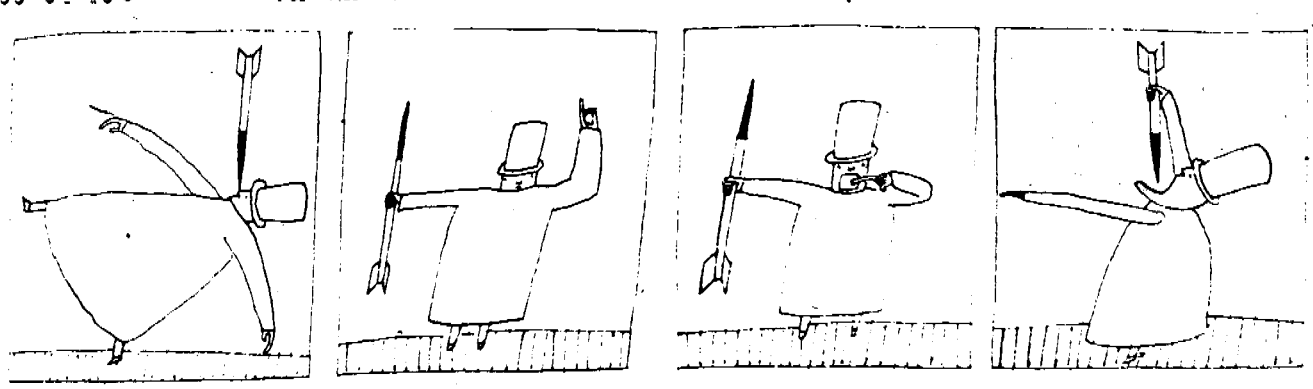

آغاز کردند (به‌ترتیب ۱۹۰۵ و ۱۹۱۳) "Dreams of the Rarbitfien" نوشته و طراحی شده توسط مک‌کی تحت نام مستعار Silas یک کشف شگفت‌انگیز از دل‌نگرانیها و اعمال غیرارادی و کابوس‌گونه شخصیتی است که پیش از بد خواب رفتن مقداری پنیر ولزی را می‌خورد. تغییرات سریع در پرسپکتیو و اندازه برای مسحور کردن دنیایی که حول مرگ و زشت و کریه شدن دور می‌زند، به‌خدمت گرفته می‌شود (تغییر شکل و فروپاشی در تمامی قطعات انجام می‌گیرد تا اینکه در آخرین قطعه شخصیت اصلی از خواب بیدار می‌شود.)

Krazy Kat ساخته جورج هریمن تا اندازه‌ای از شیوه مک‌کی پیروی می‌کند. در این داستان با کلانتری به نام پاپ آشنا می‌شویم، نماد نظم و قانون، قابل احترام و صدیق که عمیقاً به یک گربه خنثی به نام کریزی (Krazy) علاقه‌مند است، گربه‌ای معصوم، مهربان و رومانتیک. اما کریزی عشق موشی به نام ایگناتز (Ignatz) را در سر دارد. موشی وحشی، هرج و مرج‌طلب و بی‌نظم. ایگناتز کریزی را تحقیر می‌کند و هنگامی‌که او برمی‌خیزد او را مورد ضرب قرار می‌دهد. کلانتر پاپ پا به صحنه می‌گذارد و ایگناتز را به‌زندان می‌اندازد. روال منطقی داستان طی سی سال هرهفته توسط هریمن تکرار می‌شود.

هنگامی‌که اجرای حرفه‌ای با زبان کودکانه همراه می‌گردد، استریپ به محصولی مطبوع تبدیل می‌گردد که شدیداً مورد توجه کودکان قرار می‌گیرد. کششی که حتی بزرگسالان را نیز به‌سوی خود می‌کشاند، به طوری که پرزیدنت تئودور ویلسن به‌گفته خویش آن‌را قبل از هر نشست با کابینه‌اش مطالعه می‌کرد. این داستان در ۱۹۲۲ به‌صورت باله نیز اجرا شد.

ازجمله دلایلی که موجب شد این دو استریپ را مورد توجه خاصی قرار دهیم این است‌که این دو شرایط حاکم‌بر محیط را هنرمندانه و خردمندانه منعکس ساخته‌اند. همان چیزی که استریپهای متوسط به‌دنبال آن هستند. باوجود آنکه استریپها مخاطبان بزرگسال را شامل می‌شوند، این دو استریپ این مسئله را به‌اثبات رساندند که در روند اجرای یک استریپ هیچگونه ابهام و گنگی نباید

وینزور مک‌کی
WINSOR MCCAY

ژان فولون / فرانسه
JEAN FOLDN / FRANCE

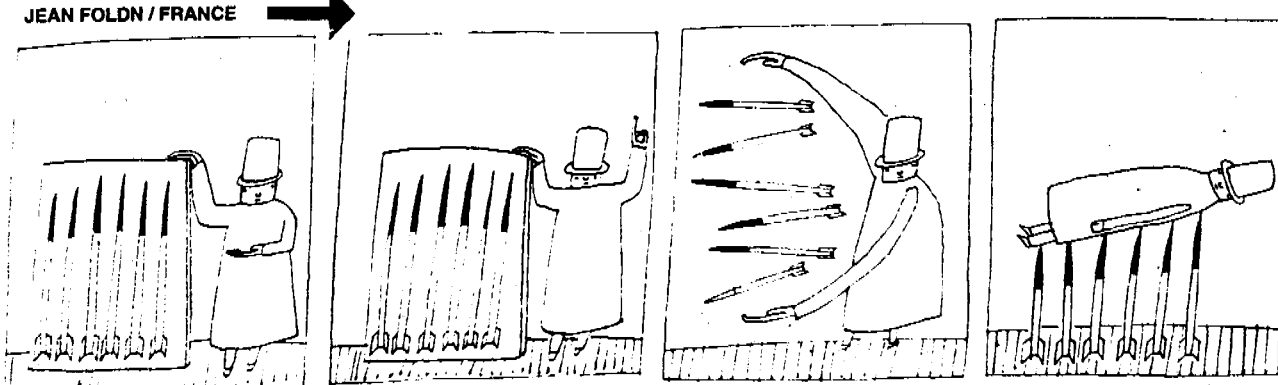

وجود داشته باشد. سالها بعد آفرینندگان این دو اثر طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۷۰ کمیک زیرزمینی را کشف کردند و در ادامه این مسیر در سالهای میان ۱۹۸۰ تا ۹۰ کمیک و این استریپها (بویژه "Krazy Kat") الگوی آفرینندگان کمیک بزرگسالان شد. در آن روزها، نه‌تنها "krazy Kat" بلکه "Rar but Fiend" استریپ شماره یک آمریکا بشمار می‌رفت و درمیان مردم بسیار محبوب و خواستنی بود.

به‌دلیل محتوای جسورانه بیشتر استریپها، آرام‌آرام بی‌پروایی در آنها گسترش می‌یافت، آنچنان‌که در بریتانیا کمیکهای جدید با اعتراض عمومی روبرو شد. همزمان با آن در آمریکا، نیز شکایتهایی از آنها شد. اساساً آنها به یکروزه بودن، زمخت و ثقیل و مضر بودن برای خوانندگان متهم می‌شدند.

تعصبی وجود داشت تا دوباره آزمودگی بریتانیائیها منعکس شود. زیرا هرست، پولتیزر و دیگر آفرینندگان بزرگ از استرایپهایی بهره می‌گرفتند تا بتوانند بیش از گذشته مخاطبان بیشتری را جلب کنند. (اغلب مهاجرین موردنظر بودند) استریپهای روز انگ سطح پایین بودن را با خود داشتند و این موضوع با اعتراضات مذهبی شدیداً پیوند خورده بود. این شکایات ابتدا نارسا و آرام بودند، اما در اوان جنگ جهانی اول روبه‌فزونی گذاشتند. بنیان تعارضات نسبت به استریپهای متوسط آمریکایی گذارده شد و میراث شومی برای صنعت کمیک آینده به‌جای ماند.

مرحله بعدی رشد و نمو استریپها در میان سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ شکل گرفت. در این سالها، دو موضوع قابل توجه است. اول استاندارد کردن تدریجی استریپهای فکاهی به‌صورت کمدی و دوم پیدایش نسل ماجراجویی نوین. این استریپها عمده و اصلی روزنامه‌های آمریکایی مبدل و عهده‌دار فرم جدیدی برای مردم‌گرایی شدند. البته در کنار موفقیت عمومی قادر به جلوگیری از اعلام شکایات نیز نبودند، به‌طوری‌که شدت اعتراضات وارد مرحله تازه‌ای شد.

همانطور که سندیکاهای بزرگ استریپ فرم راتحت کنترل خود داشتند، کاملا آشکار بود که برای کسب سود و منفعت دوچندان می‌بایستی سرگرمیهایی که وضوح تصویری کمتری دارند، را ارائه دهند تا با اعتراضات کمتری روبرو شوند.

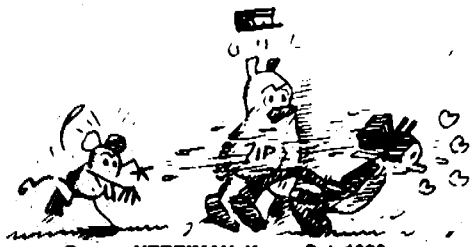

George HERRIMAN, Kvazy Cat, 1926.

به این دلیل گفتگو با انجمنهای آمریکایی آغاز شد. به قول یکی از مورخان در جایی به نوعی تصمیم گرفته شد که اطمینان خاطر نیاز مردم است (شاید مردم خودشان این تصمیم را گرفتند) شیوه آرام و مناسب زیستن در خانه، چیزی است که وارد خانه میلیونها آمریکایی شد.

نتیجه این شد که در آن زمان، استریپها «الگوی ملی» نام گرفتند و عمدتاً اسیر کمدی خانگی شدند. به این ترتیب استریپهای متوسط بیش از حد مورد تایید و انعکاس قرار گرفت. شناخته شده‌ترین نمونه از این دست استریپ (۱۹۱۳) "Bringing up Father" ساخته جورج مک مانوس "George McManus" درباره یک نو کیسه ایرلندی برخاسته از طبقه فقراست که دائما به دلیل جاه‌طلبی دختر و همسرش مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. نمونه بعدی "Abie the Agent" ساخته هری هرشفیلد است.

استریپ (۱۹۱۷) "The Gumps" ساخته سیدنی اسمیت حکایت خانواده‌ای است که پدر خانواده در آن حکمفرمایی می‌کند و (۱۹۱۸) "Gasoline Alley" ساخته فرانک کینگ که روایتی است از زندگی روزمره بخش فقیرنشین آمریکا (استریپی است قابل توجه درباره حقایق زندگی ساکنین کوچه پس کوچه‌های شهر نمونه‌های بعدی است. این نمونه‌ها بعدها توسط استریپهای متوسطی ادامه یافتند، کارهایی مانند، (۱۹۲۴) "Lihle orphan Annie" ساخته هارولد گری یک استریپ قابل اعتنا درباره یک دختر جوان که حقیقت ارزشهای آمریکایی را مجسم می‌سازد و (۱۹۳۰) "Blondie" ساخته چیک یانگ (Chic Young) که در آن کمدی درام میان یک زن و شوهر معنا پیدا می‌کند.

این تمایل در روش کار همچنان ادامه داشت. تالیرات وارده بوسیله کمیهای ساده‌گرا به طور خلل‌ناپذیری پشتیبانی می‌شد. محبوبهای تازه در نشریات قدیمی و سابقه‌دار ظهور یافتند، استریپهایی مانند: "The Bangle Family" ساخته هری تانیل که یک خانواده باخوی ضد بشری را معرفی می‌کند و "Thimble Theatre" (۱۹۹۱) ساخته ای.سی.سگار (E.C. Segar) که در آن یک ملوان به نام پاپی که همواره اسفناج می‌خورد، ستاره داستان است. و (۱۹۱۹) "Barney Google" ساخته بیلی دبک (Billy De Beck) که روایتی است از وابستگی یک قمارباز کهنه کار با اسب مسابقه‌ای به نام اسپارک پلاگ و (۱۹۲۳) "Felixthe cat" ساخته اتومسمر (Otto messmer) که گربه‌ای شجاع و جسور را به مخاطبش معرفی می‌کند (این گربه بعدها ستاره بسیاری از فیلمهای انیمیشن می‌شود و (۱۹۳۰) "joe palooka" ساخته هم فیشر "Ham Fisher" و "Lil Abner" ساخته ال کاب (Al Capp) که یک روایت هجوآمیز از یک دختر کوهستانی است و (۱۹۳۳) (Fritzi ritz) ساخته ارنی بوشمیلر (Ernie Bushmiller) که یک دختر چاق را شخصیت اصلی خود قرار می‌دهد.

اما علی‌رغم تداوم وجهه ملی طنز، در ۱۹۳۰ محتویات استریپها تغییر کرد و عناصر کاملا جدیدی وارد ماجراها شد. مجلات پذیرای استریپهای پر زد و خورد ملایم شدند تا باز هم مخاطبان بیشتری را جلب کنند. آثار کلاسیک در زمینه‌های علمی- تخیلی ظاهر گشتند که (۱۹۲۹) "Buck Rogers" ساخته فیلیپ نولان و دیک کالکینز از آن جمله است. این استریپ حکایت مردی است که پانصد سال در زمان پیش می‌رود و خود را در دنیایی آکنده از تفنگهای لیزری و آدمهای مصنوعی می‌یابد. نمونه‌های بعدی عبارت‌اند از: (۱۹۳۴) (Flash Gordon) ساخته الکس ریموند که روایتگر قهرمانی دیگر و مبارزاتش با مینگ موجود ستمگر فضایی است و ماجراهای جنگل (۱۹۲۹) "Tarzan" ساخته هال فاستر و (۱۹۳۱) "Dick Tracy" اثر چستر گود (Chester Gould) که یک بازی مرگبار را به تصویر می‌کشد که توسط یک باند تبهکار شیکاگو اجرا می‌شود و استریپ تخیلی تاریخی (۱۹۳۷) "Prince Valiant"

اثر هارولد فاستر درباره یک خانواده سلطنتی در زمان حکومت شاه آرتور و (۱۹۳۴) "Terry and the Pirates" اثر میلتون کانیف درباره یک جوان چشم بادامی و ماجراهایش در چین.

همه این استریپها پشتوانه‌ای از مخاطبان بزرگسال را برای خود داشتند و کاملا آشکار است که آنها منبع سرشاری از گریز مردمی از تالیرات ناهنجار روانی و اضمحلال اخلاقی هستند. آشکارا اکثر قریب به اتفاق آنها در انتقال خواننده خود به

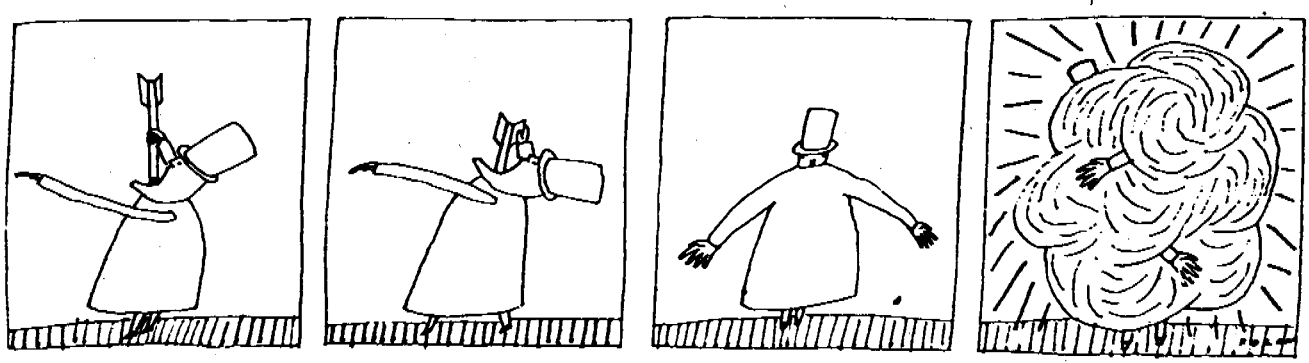

فضاهای کاذب، فضای خارجی، جنگل، تاریخ، خاور دور یا هرجایی که واقعیت خارجی ندارند، موفق نشان داده‌اند.

اما اکنون وقت آن رسیده که تمرکز بحث بر روی استریپها را به نفع مولود تازه‌اش یعنی کتابهای کمیک رها سازیم. این تصادفی نیست که پدیده‌ای در میان مردم ظاهر شود، آنهم زمانی که مردم آمادگی پذیرش کمیکهای واقعی را دارند. این امر باید مورد توجه قرار گیرد، اگر چه استریپهای روزنامه‌ای برای انبوه خوانندگان آمریکایی تا به امروز جای خود را حفظ کرده‌اند. گسترش و رشد کتابهای کمیک از سرگرمیهای روزنامه‌ای یك روند آرام بوده است. این حقیقتی است به عنوان نمونه، استریپهای منحصر به فردی به صورت مجله از شماره‌های آغازین "Yellow kid" و "Lihle Nemo" و "The Katzenjammer Kids" جمع‌آوری شدند و در میان آلبومهای نفیس جای گرفتند. پیش از آن مجموعه سازی از مجلات طنز کارتونی رایج شده بود که نمونه بارز آن "The Good things" از سری مجموعه "Life" است که در ۱۸۸۳ اجرا شده بود. در ۱۹۲۲، اولین تجدید چاپ آن به طور ماهانه منتشر شد.

کمیك ماهانه در هر شماره‌اش یك استریپ متفاوت را در خود داشت (شامل "polly and her pals", "Barney Google") آنها به مربعهای ۱۰ اینچ به ۱۰ اینچ تقسیم شده بودند که در هر صفحه چهار مربع صفحه‌آرایی می‌شد و به قیمت ۱۰ سنت به فروش می‌رفت. این تازه وارد اگر چه در چاپ سهل‌الوصول و ارزان عرضه می‌گردید، اما نمی‌توانست خواننده فراوانی را جلب کند و پس از ۷ شماره منکنه می‌شد.

در ۱۹۲۹، تلاش دیگری انجام شد. "Funnies" اولین استریپی بود که با شخصیتهای قدیمی و با فرم‌بندی دایره‌ای به طور هفته‌نامه به چاپ رسید. گفته می‌شود که این استریپ براساس کمیکهای بریتانیایی تولید شده است. اما با وجود اینکه قیمت ۱۰ سنتی کمیکهای ماهانه را حفظ کرده بود. خیلی زود با مشکلات بسیاری روبرو شد. زیرا نتوانست برخلاف کمیکهای بریتانیایی از حمایت چندانی برخوردار شود و تقریبا پس از ۱۳ شماره چاپ آن متوقف شد. باید توجه داشت در رابطه با توصیفی که از کمیك داریم، این اولین نمونه آمریکایی از این فرم است. هرچند "The Funnies" اولین کتاب کمیك نبود (آنطور که بعد خواهیم دید) اما نمونه بارزی از فرم‌بندی نوین است.

فلاش گوردون
FLASH GORDON

تا میانه دهه ۳۰، ناشرین سخت در تلاش بودند تا با چاپ دوباره بازار را در اختیار بگیرند. (۱۹۳۳) "Furnies on Parade" به طور چهار رنگ به شکل جدیدی که آنرا فرم‌بندی مدرن کتاب کمیك می‌شناسم، به چاپ رسید. این یکی پیوست یکشنبه را نیز با خود داشت. این ابتکار دو فروشنده بنامهای هری ویلدنبرگ (Harry Wildenberg:) و ماکس گائینز (Maz Gaines) بود که استریپهای پرفروش و معروف را مجددا به چاپ رساندند (استریپهای مانند "Joe "Bungle Family" "Palboka") شیوه کار آنها کاملا موفق بود، به طوری که نمونه‌های بعدی به سرعت به فروش رفت. این گام کوچکی به سوی درج شاخص قیمت و فروش تجاری کتابهای کمیك بود (۱۹۳۴) "Famous Funnies" یکبار دیگر توسط ماکس گائینز بر سر زبانها افتاد. وی به دقت از فرمول "Funnies on parade" بهره برد و قیمت را در حد کمیکهای ماهانه یعنی ۱۰ سنت ثابت نگهداشت. محتویات آن از استریپهای بسیار معروف و شناخته شده‌ای تشکیل می‌شد (مانند "The Bungle Family" "Mutt and Jeff") و ثابت کرد که یك شوك آنی می‌تواند باشد.

Seafaring sailor Popeye starred in a new made-for-television series of episodic adventures in 1961. © King Features Entertainment